



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره رای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

To be a Leader of the Jewish People

Beshallah

بسالخ: رهبر قوم یهود بودن

"در آن روز خدا بنی اسرائیل را از جنگ مصریان نجات داد... بنی اسرائیل اجرای قدرت عظیم خدا علیه مصریان را دیدند و مردم هیبت خدا را به دل گرفتند. آنها به خدا و خدمتگزار او موسی ایمان آوردند. موسی و بنی اسرائیل سپس سرودی خواندند و گفتند..."

سرود دریا یکی از شادمانه ترین رویدادهای تاریخ است. حکیمان تلمودی گفته اند که حتی فرودست ترین یهودیان نیز در آن لحظه همان چیزی را دیدند که بزرگترین انبیاء خدا امتیاز دیدنش را داشتند. برای نخستین بار سرودی دستجمعی سر دادند که ما هر روز آنرا می خوانیم.

جدل درخشانی در میان حکیمان تلمودی درمی گیرد در این باره که دقیقاً آنها چگونه سرود خواندند. در این مورد چهار نظر در میان آنها وجود داشت. سه تای آنها در رساله ی سوتا آمده اند:

ربی های ما تدریس کردند: در آن روز، ربی اکیوا چنین گفت: وقتی که بنی اسرائیل از دریای سرخ بیرون آمدند، می خواستند سرودی بخوانند. چگونه آنرا خواندند؟ مانند فرد بالغی که برای خدا "هلل" می خواند و دیگران به دنبال

او کلماتی تکرار می کنند. موسی گفت: من به درگاه خدا سرود می خوانم و آنها پاسخ دادند: ما به درگاه خدا سرود می خوانیم. موسی گفت: زیرا خداوند شکوهمندانه پیروز شد. و قوم پاسخ دادند: ما برای خدا سرود می خوانیم. م. ربی اليعزر پسر ربی یوسی اهل گالیلی گفت: او مانند کسی است که هَلَل را می خواند و آنها سراسر روزها پس از او تکرار کردند.

موسی گفت: من برای خدا سرود خواهم خواند و آنها پاسخ دادند: من برای خدا سرود می خوانم. موسی گفت: زیرا او شکوهمندانه پیروز شده است و آنها پاسخ دادند، زیرا او شکوهمندانه پیروز شده است.

ربی نحמیا گفت: او مانند معلم دبستانی بود که شَمْع اسرائیل را در کنیسا می خواند. او ابتدا شروع می کند و دیگران پس از او تکرار می کنند. سوتا ۳۰ ب

بنا به ربی عقیوا، موسی سرود را بند به بند خواند و مردم پس از هر بند پاسخ دادند: به درگاه خدا سرود می خوانم، و هر بار آمن می گفتند. بنا به ربی اليعزر پسر ربی یوسی اهل گالیلی، موسی سرود را بند به بند خواند و آنها همان را تکرار کردند. بنا به ربی نحמیا، موسی و بنی اسرائیل سرود را همه با هم خواندند. راشی می گوید که در ذهن تمام مردم با الهام الهی و به گونه ای معجزه آسا همان کلمات نقش بستند.

دیدگاه چهارمی در مخیلتا مطرح می شود:

اليعزر بن تادای گفت: موسی شروع کرد و بنی اسرائیل هر چه او گفت را تکرار کردند و سپس بند را با گفتن این کلمات تکمیل کردند: به درگاه خدا سرود می خوانم زیرا او شکوهمندانه پیروز شد. و بنی اسرائیل هر چه او گفت را تکرار کردند و سپس بند را با او خوانده، گفتند: به درگاه خدا سرود می خوانم زیرا او شکوهمندانه پیروز شد، اسب و سوارش را به درون دریا انداخت. موسی می گفت: خدا قوت و سرود من است و بنی اسرائیل تکرار کرده، سپس بند را با او تکمیل می کردند: خدا قوت و سرود من است؛ او نجات من شده است. موسی شروع می کرد: خداوند جنگاور است و بنی اسرائیل تکرار می کردند و سپس بند را تکمیل کرده، گفتند: خدا جنگاور است، خدا همان نام اوست. مخیلتای بشالخ پاراشای ۱

در اصل، بنا به تفسیر تلمود، حکیمان کلمات اضافی *vayomru lemor* به معنای "آنها گفتند این گفته را" تکرار می دانند. بنی اسرائیل چه چیزی را تکرار کردند؟ از دید ربی اکیوا تنها نخستین کلمات سرود را همچون ترجیع بند تکرار کردند. از دید ربی اليعزر پسر ربی یوسی اهل گالیلی، آنها کل سرود را تکرار کردند، جمله به جمله. از دید

ربی نحما آنها نخستین جمله‌ی هر بند را تکرار می کردند، اما سپس کل بند را بدون آنکه موسی به آنها آموخته باشد، می خواندند. به این ترتیب ما جدلی بر روی معنای آیه ای از تورا داریم.

اما موضوع عمیقتری در میان است. برای فهم آن، باید به بخش دیگری از تلمود نگاه کنیم که در ظاهر با بخش سوتا بدون ارتباط است. این بخش در رساله‌ی قیدوشین آمده و پرسش درخشانی دربردارد. ما دستور داریم که به افراد گوناگونی احترام بگذاریم: والدین، معلم (ربی)، ناسی (رهبر جامعه‌ی یهودی)، و پادشاه. آیا هیچ یک از این چهار دسته می تواند احترام خود را الغاء کند؟

ربی ایتسخاک بن شیل از قول ربی متنا و ربی هيسدا گفت: اگر پدری احترام به خود را رد کند، احترام او ملغی می شود؛ اما اگر یک ربی احترام خود را رد کند، احترام او ملغی نمی شود. ربی یوسف حکم کرد: حتی اگر یک ربی احترام خود را رد کند، احترامش ملغی می شود... ربی آشی گفت: با توجه به این امر در مورد ربی، اگر یک رهبر جامعه (ناسی) از احترام خود بگذرد، الغاء آن معتبر نیست... حتی با توجه به این که یک ناسی ممکن است احترام خود را رد کند، اما یک پادشاه نمی تواند چنین کند، چنان که آمده: باید پادشاه را بالاتر از خود قرار دهی، یعنی اقتدار او بر تو برقرار باشد. قیدوشین ۳۲ الف و ب

هر یک از این افراد، یک نوع نقش رهبری دارند: پدر بر فرزند، معلم بر شاگرد، ناسی بر جامعه و پادشاه بر ملت. این بخش در تفسیری ژرف نگر، روشن می سازد که این چهار نقش، جایگاه‌های مختلفی در طیف میان اقتدار فردی و اقتدار ریاست یک نهاد را پُر می کنند. هر چه مناسبت فردی تر باشد، آسانتر می توان احترام را رد کرد. در یک سر طیف، نقش والدین است (به شدت فردی) و در سر دیگر، نقش پادشاه (یکسره نهادین).

به نظر من این نکته ای بود که در جدل پیرامون چگونگی خواندن سرود موسی و بنی اسرائیل در دریای سرخ مطرح شد. از دید ربی اکیوا موسی نقش پادشاه را داشت. او می گفت و مردم فقط در پاسخ به او آمن می گفتند (در این مورد، کلمات "به درگاه خدا سرود می خوانم). از دید ربی اليعزر پسر ربی یوسی اهل گالیلی، موسی مانند یک معلم بود. او می گفت و بنی اسرائیل جمله به جمله سخن او را تکرار می کردند. از دید ربی نحما موسی مانند یک ناسی در میان همکاران روحانی بود (بخشی از قیدوشین که بر آن است یک ناسی می تواند احترام خود را ملغی کند، روشن می کند که فقط در میان همقطاران روحانی خود می تواند چنین کند). اینجا رابطه از نوع دانشگاهی است: موسی آغاز می کند، اما سپس همگی با هم می خوانند. از دید ربی اليعزر بن تادای، موسی مانند یک پدر بود. او شروع کرد، اما اجازه داد که بنی اسرائیل هر بند را تکمیل کنند.

این حقیقت بزرگی پیرامون والدین بودن است که در نخستین نگاه در مورد ابراهیم آشکار می شود: طرح، پسر خود ابرام، نوده ی خود لوط پسر حران و عروشش سارا همسر ابرام را برداشت و با هم از اور کلدانی به سوی کنعان حرکت کردند. اما وقتی که به حران رسیدند، آنجا ساکن شدند. برشیت ۱۱:۳۱

ابراهیم سفری که پدرش آغاز کرده بود را تکمیل کرد. والدین بودن یعنی این که بخواهیم فرزندان فراتر از خودمان بروند. این نیز از دید ربی الیعزر بن تادای همان مناسبت موسی با بنی اسرائیل بود. پیشدرآمد سرود دریا می گوید که قوم "به خدا و خدمتگزار او موسی ایمان آوردند." این نخستین بار است در مورد ایمان بنی اسرائیل به رهبری موسی سخنی گفته می شود. حکیمان تلمودی در این باره پرسیدند: رهبر یک قوم بودن چگونه است؟ آیا داشتن اقتدار رسمی است که نمونه ی برتر آن پادشاه است ("ربی ها، پادشاه خوانده می شوند")؟ آیا داشتن رابطه ای فردی با پیروان خود است که نه بر اساس احترام و هیبت، بلکه بر پایه ی تشویق مردم به رشد، پذیرفتن مسئولیت و ادامه دادن به سفری است که رهبر آغاز کرده است؟ یا این که چیزی است در این وسط؟ هیچ پاسخ یگانه ای وجود ندارد.

بارها موسی اقتدار خود را نشان داد (در شورش قورح). چندین بار دیگر خواست خود بر این پایه که "همه ی افراد قوم خدا انبیاء باشند" را بیان کرد. یهودیت ایمانی پیچیده است. در تورا فقط یک مدل رهبری وجود ندارد. ما هر یک فراخوانده شده ایم تا چندین نقش رهبری اجرا کنیم: به عنوان والدین؛ معلم؛ دوست؛ عضو تیم؛ و رهبر تیم.

بیشک، اما، یهودیت نقش والدین را به عنوان یک ایده آل برتری می دهد تا کسانی را که رهبری می کنیم تشویق نماییم که سفری که ما آغاز کرده ایم را ادامه دهند و فراتر از ما بروند. یک رهبر خوب، پیروان پیدامی کنند. این بود بزرگترین دستاورد موسی است، زیرا او پس از خود مردمی به جا گذاشت که در هر نسل می خواستند مسئولیت بپذیرند تا کاری که او آغاز کرده بود، به جلو ببرند.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved